



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# مهدویت و زندگی سیاسی معاصر اسلامی

غلامرضا بهروز لک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مهدویت و زندگی سیاسی معاصر اسلامی

نویسنده:

غلامرضا بهروز لک

ناشر چاپی:

موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	مهدویت و زندگی سیاسی معاصر اسلامی
۶	مشخصات کتاب
۶	طرح مسأله
۷	بررسی مشترکات دیدگاه‌های آینده‌نگر بین ادیان و مکاتب بشری
۹	دیدگاه‌های مشترک آینده‌نگر بین ادیان آسمانی
۹	آینده‌نگری در اسلام و ویژگی‌های مدینه فاضله موعود در مذاهب اسلامی
۱۲	نتیجه‌گیری
۱۲	پاورقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## مهدویت و زندگی سیاسی معاصر اسلامی

### مشخصات کتاب

عنوان: مهدویت و زندگی سیاسی معاصر اسلامی

پدید آورندگان: بهروز لک، غلامرضا، ۱۳۴۷- (پدید آور)

نوع: متن

جنس: مقاله

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)

توصیفگر: ظهور منجی

مهدویت

وضعیت نشر:

ویرایش: -

مشخصات فیزیکی: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۵ بایگانی: ۴۴.۲KB)

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: ملزومات نظام: ویندوز ۹۸+ با پشتیبانی متون؛ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وب؛ عنوان از روی صفحه عنوان

نمایش، غلامرضا بهروز لک

شناسه: [oai.lib.ahlolbait.ir/parvan/resource/۴۲۱۰۶](http://oai.lib.ahlolbait.ir/parvan/resource/۴۲۱۰۶)

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۸/۸/۲۷

تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۹۰/۱/۲۱

تاریخ ثبت: ۱۳۹۰/۹/۳۰

قیمت شیء دیجیتال: فاقد شیء دیجیتالی

### طرح مسأله

آموزه ظهور منجی موعود یکی از آموزه های مشترک و فراگیر ادیان آسمانی است. ظهور منجی موعود تحقق بخش آرمان دیرپای بشری برای زندگی در یک مدینه فاضله می باشد. هر چند چنین آرمانی تاکنون محقق نشده است، اما مؤمنان همواره در راستای تعالیم پیامبران خود چشم به راه آن بوده اند. هر چند انتظار تحقق چنین جامعه ای به طول انجامیده است، با این حال این آموزه از آرمانهای تغییر نیافته و پایدار انسان در طول قرنها و از مسلمات اعتقادی ادیان آسمانی می باشد. به رغم اختلافها، تشکیک ها و تردیدهایی که در طول تاریخ در باب آموزه های دینی صورت گرفته است، چنین اعتقادی از جمله اعتقادات تردید ناپذیر دینی باقی مانده است. با فرض انسجام درونی دیدگاههای دینی چنین ویژگی می تواند به گونه ای در بازسازی و تأیید دیگر آموزه های دینی مورد تردید قرار گرفته مفید واقع شود. مسأله حایز اهمیت این است که آموزه نجات و منجی گرایی به عنوان یک آرمان مشترک بشری تا چه میزان می تواند در تنظیم زندگی امروز جوامع مورد استفاده قرار گیرد؟ آیا می توان با استعانت از این آموزه

ابهامات موجود در چگونگی تنظیم زندگی سیاسی امروزی را نیز حل نمود؟ آیا می‌توان با تمسک به آن، نوعی همگرایی و وحدت عمل و نظر را بین پیروان ادیان آسمانی در عصر پیش از تحقق مدینه فاضله جستجو کرد؟ آیا می‌توانیم با همکیشان مسلمان خود که در برخی ابعاد زندگی سیاسی-اجتماعی اختلاف نظر داریم، بر اساس تأمل مشترک در این آموزه‌ها به نقاط اشتراک بیشتر و مطمئن تری دست بیابیم؟ دغدغه و مسأله اصلی در این بحث بر سر قابلیت و چگونگی کاربرد آینده‌شناسی در زندگی سیاسی حال است. با توجه به چشم انداز اجمالی آینده که بر اساس اصول و آموزه‌های دینی ترسیم می‌شود، ویژگی‌های کلان زندگی آینده بشری بر اساس آموزه مهدویت و ظهور منجی موعود تاحدودی روشن است. البته ابهامات و اختلاف نظرهایی در چگونگی و کیفیت عصر ظهور و مدینه فاضله مورد نظر ادیان وجود دارد، اما می‌توان ویژگی‌های کلان زندگی آینده را با استعانت از مسلمانات اعتقادی ادیان و نیز اصول کلامی فلسفی استخراج نمود. با تمسک به این دیدگاه‌های مشترک و بازتابانیدن آنها بر وضعیت عصر حاضر می‌توان به تفاهم در چگونگی تنظیم زندگی سیاسی امروز خود دست بیابیم. کاربرد دیگر این بحث به آسیب‌شناسی وضعیت امروز جوامع بشری و بویژه جوامع اسلامی در پرتو آرمان مدینه فاضله آتی بر می‌گردد. از این حیث ما می‌توانیم وضعیت فعلی خود را سنجه زده و میزان تناسب و سازگاری آن را با وضعیت آرمانی مشخص سازیم. می‌توانیم معین سازیم ما از وضعیت آرمانی تا چه میزان فاصله داریم و در نهایت برای کم کردن فاصله و اختلاف وضعیت امروز خود با وضعیت آرمانی بکوشیم. پیوند دیدگاه‌های مشترک آینده‌نگرانه را با وضعیت حاضر می‌توان از چهار سطح مختلف موردبررسی قرار داد: نخست در سطح بین کل مکاتب و دیدگاه‌های آینده‌نگر که به طرح ایده‌هایی در باب آینده می‌پردازند. این سطح بین ادیان (اعم از ادیان بشری و آسمانی) و مکاتب و فلسفه‌های آینده‌نگر مشترک است. سطح دوم، آموزه‌های مشترک آینده‌نگرانه بین ادیان آسمانی است. سطح سوم، آموزه‌های مشترک موعودگرایانه بین مذاهب اسلامی است. در نهایت سطح چهارم، سطح درون مذهبی است و به دیدگاه‌های موجود در درون یک فرقه یا مذهب اعتقادی مربوط می‌شود. در این سطح می‌توان با استعانت از دیدگاه‌های مشترک آینده‌نگرانه در یک مذهب اعتقادی، به ایجاد همگرایی بیشتر در بین پیروان آن مذهب در باب زندگی سیاسی امروز پرداخت و برخی از ابهامات موجود را برطرف کرد. به رغم کاربرد این بحثها در سطوح مختلف ذکر شده، مسأله اصلی و مهمتر برای ما زندگی و وضعیت امروز جوامع اسلامی است. هر چند جستجوی اشتراکات با دیگر ادیان و نیز حتی با دیگر مکاتب و فلسفه‌های آینده‌نگر می‌تواند چشم انداز همگرایی بیشتری را بین ما و دیگران ایجاد کند، اما پرداختن به وضعیت امروز جوامع اسلامی و تمرکز بر آن می‌تواند ما را در ارائه راه‌حلهای مناسب جهت برون رفت از وضع نامطلوب موجود جهان اسلام مدد رساند. از این جهت بحث حاضر در واقع بحث وضعیت فعلی و امروز ما می‌باشد که از منظر آینده‌نگری به آن می‌پردازیم. از چنین منظری ما به جای جستجو در ناکجاآبادها و غوطه ور شدن در اشتیاق آینده، با مسائل و مشکلات امروز خود درگیر می‌شویم و به درمان و رفع آسیب‌های آن می‌پردازیم. چنین بحثی به بیان دیگر جستجوی خویشتن و هویت مورد تهاجم قرار گرفته امروز جوامع اسلامی نیز می‌باشد که در تهاجم و شیخون‌های فکری و فرهنگی غرب مدرن دچار خود فراموشی و بحران هویت شده است. شاید تمسک به برخی از آرمانهای محفوظ مانده و دست نخورده بتواند ما را به «خویشتن» خود متوجه ساخته و از وضعیت از خود بیگانگی فعلی نجات دهد. از این رو در بحث حاضر صرفاً بحثی اجمالی در دو سطح نخست مطرح نموده و عمدتاً بر سطوح سوم و چهارم تمرکز خواهیم کرد. البته دو سطح اخیر به نوعی پیوندهای بیشتری با یکدیگر دارند و از این حیث به شفافیت همدیگر کمک می‌رسانند. فرضیه این تحقیق آن است که جستجوی این مشترکات می‌تواند به لحاظ نظری در استقرار زندگی سیاسی دینی بویژه در جهان اسلام و مقابله جویی با تهاجم سکولاریسم غربی به جهان اسلام کمک نماید.

**بررسی مشترکات دیدگاه‌های آینده‌نگر بین ادیان و مکاتب بشری**

انسانها به استناد منابع تاریخی و آثار باستان‌شناسی از دیر باز و از هنگام عصر اسطوره‌ای در انتظار ظهور یک منجی بوده‌اند. منجی در نگاه اساطیری غالباً با حرکت ادواری تاریخ پیوند می‌یافت و پس از پایان یک دوره محنت بار، سرانجام با ظهور خود بار دیگر عصر زرین گذشته را تجدید می‌کرد. [۱]. در دوران مدرن برخی از فلسفه‌های آینده‌نگر بر اساس آموزه پیشرفت آینده نویدبخشی را برای انسان پیش بینی می‌کردند. در بحث حاضر که در صدد یافتن وجوه اشتراک بین نظریه‌های آینده‌نگر می‌باشد، نمی‌توان چنین اشتراکی را در تمامی این نظریه‌ها یافت. نظریه‌های آینده‌نگر دوران مدرن عمدتاً در دو دسته نظریه‌های سوسیالیستی-مارکسیستی و نظریه‌های لیبرالیستی عرضه شده‌اند. هر چند جامعه کمون‌ثانوی در اندیشه مارکس تجلی جامعه آرمانی است که نیازهای انسانها تأمین و هرگونه ظلم و تعدی به حقوق انسانها برطرف می‌گردد و مدینه فاضله کمونیستی محقق می‌شود، اما به دلیل نگرش ماتریالیستی نظریه‌های مارکسیستی وجه اشتراک عمده‌ای را نمی‌توان بین آنها و ادیان یافت. اما در مقابل می‌توان در برخی از نظریه‌های لیبرالیستی دیدگاههایی را یافت که با الهام از آموزه‌های مسیحی دیدگاهی را عرضه کرده‌اند که در برخی از وجوه با نگرش آینده‌نگر ادیان مشترک است. عمده‌ترین فیلسوف و نظریه پرداز دوران مدرن که می‌توان دیدگاه آینده‌نگرانه او را با ادیان در برخی از وجوه مشترک دانست، فیلسوف آلمانی ایمانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴م) می‌باشد. کانت با تمرکز بر خرد بشری و خیر اخلاقی در نظریه سیاسی خود، آینده بشر را از منظر اخلاقی مورد توجه قرار داده است. او در رساله‌ای با عنوان «معنای کلی تاریخ در غایت جهان وطنی» به وضعیت آینده بشری می‌پردازد. [۲] در این رساله کانت در تداوم ایده‌های خود در سنجش خرد ناب دستیابی به کامل‌ترین «سازمان مدنی عادلانه» را که در آن عدل به نحو همگانی بر پا داشته شده و آزادی به نحو بیشترین حد ممکن مطابق قانون وجود داشته باشد، یعنی جامعه مدنی را بزرگترین مسأله برای انسان اعلام می‌کند. از نظر کانت هر چند موانعی بر سر راه تحقق کامل این جامعه وجود داشته است، اما نوع انسان آنقدر باقی می‌ماند تا در روابط سیاسی خود سازمان مدنی کامل و عادلانه‌ای را تحقق بخشد و این امر در واقع به منزله غایت پنهان طبیعت برای تحقق خرد است که بدون آن باید جهان طبیعت فاقد عقل را غایتمند و در مقابل موجود واجد عقل را فاقد غایت شمرد. [۳]. بر اساس دیدگاه کانت سرانجام بشر به مدینه فاضله خود نایل می‌شود. مدینه فاضله او که همان تحقق کامل جامعه مدنی است، با دیدگاه ادیان در وجوهی مشترک است. عمده‌ترین وجوه اشتراک را می‌توان در دو ویژگی «اخلاقی بودن» این مدینه و «تحقق عدالت» در آن دانست. بر خلاف دیگر نظریه‌های مدرن که دغدغه‌ای نسبت به اخلاقی بودن و فضیلت ندارند، کانت خیر اخلاقی و نیز فضیلت را در کانون نظریه سیاسی خود قرار می‌دهد. [۴] بدیهی است که دو ویژگی فوق از مهمترین ویژگیهای جامعه آرمانی مورد نظر ادیان به شمار می‌روند و می‌توان آنها را از وجوه بارز اشتراک بین دیدگاههای آینده‌نگر کانت و ادیان دانست. البته تفاوت‌های اساسی نیز بین دیدگاه کانت و ادیان و بویژه در خود این ویژگیهای مذکور وجود دارد. تفسیر کانت از این دو مفهوم و مبانی آن با دیدگاه ادیان تفاوت جدی دارد. به عنوان بنیادی‌ترین وجه تمایز باید توجه داشت که در حالی که از نظر ادیان نیل به چنین جامعه‌ای بر اساس رهنمودهای منجی آسمانی صورت می‌پذیرد، کانت آنها را محصول کمال عقل بشری و به تعبیر دقیق‌تر محصول بلوغ عقلی انسان که مظهر تام روشنگری نیز می‌باشد، [۵] می‌داند. در دیدگاه کانت زندگی امروز شکل ناقصی از وضعیت آینده است. از این رو آینده برآیند سیر تکاملی وضعیت انسان مدرن می‌باشد که با گذر از فرایند روشنگری به بلوغ نهایی خود می‌رسد. در فلسفه کانت ارتباط وثیقی بین حال و آینده وجود دارد و می‌توان وضع مطلوب حال را در چهره آینده نگریست. بر اساس نگرش کانت حدواسط ماهوی بین این دو دوره وجود ندارد و هر دو زمان می‌بایست به لحاظ ویژگیها و ماهیت خود جامعه مبتنی بر خیر اخلاقی باشند. تنها وجه تمایز آنها میزان نیل به مقصود اصلی بوده و در نتیجه به میزان کمال حاصله در هر دوره‌ای برمی‌گردد. چنین ویژگی در بحث ما نیز حایز اهمیت است. کانت عملاً پیوند حال و آینده را مطرح کرده است و می‌توان در دیدگاه او وضعیت انعکاسی را بین حال و آینده مشاهده کرد. اگر جامعه آینده جامعه‌ای مبتنی بر خیر اخلاقی و عدالت است، می



بایست در زندگی امروز نیز این اصول را رعایت کرد و در جهت تحکیم و تقویت آنها کوشید.

## دیدگاه‌های مشترک آینده نگر بین ادیان آسمانی

در سطح دوم دیدگاه‌های مشترک ادیان آسمانی در مورد آینده و تبعات آن برای عصر حاضر مطرح می‌باشد. در این سطح مشترکات عمده ای را می‌توان بین ادیان آسمانی در باره آینده یافت و به تبع آن جستجوی اشتراک در وضعیت زندگی حاضر نیز بر اساس آن میسرتر می‌باشد. در این سطح می‌توان به ادیان آسمانی زردشتی و یهودیت - مسیحیت اشاره کرد. و سپس می‌توان آنها را با دیدگاه‌های اسلامی در سطح سوم مقایسه کرد. با مروری بر آموزه‌ها و اعتقادات این ادیان می‌توان آموزه موعودگرایی و ظهور منجی موعود را در آنها یافت. منجی در این ادیان با اسامی «سوشیانت» یا «سوشینت» در آئین زردشتی و «مسیح» یا «ماشیح» در یهودیت و مسیحیت نام برده شده است. چنین نام‌هایی با «مهدی» در اسلام متشابه است و بیانگر آرمان مشترک بین ادیان آسمانی در ظهور منجی موعود است. با نگاهی اجمالی به ویژگی‌های منجی در این ادیان می‌توان اشتراکات آنها را به نحو بهتری بیان نمود. هر چند در «گائها» که محققان آن را سروده‌های خود زردشت دانسته‌اند سوشیانت که معنای لغوی آن «سود رسان» یا «رهاننده» می‌باشد، [۶] خود زردشت دانسته شده است، اما در بخش‌های دیگر اوستای موجود سوشیانت فردی موعود است که در آینده ظهور می‌کند. در بخش «یشتها» از سه تن که بر اساس متون متأخر زرتشتی سوشیانت دانسته شده‌اند، نام برده شده است. [۷] در بخش‌های دیگر از ویژگی‌ها و صفات این منجی سخن رانده شده است. در «زامیاد یشت» چنین آمده است: «یاران استوت ارت پیروزمند بدر آیند: آنان نیک اندیش، نیک گفتار، نیک کردار، و نیک دین‌اند و هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند.» [۸]. در جاهای دیگر نیز او پیک اهورا مزدا و دارای فزکیانی [۹] دانسته شده است. در نزد یهودیان و مسیحیان نیز «مسیح» یا «ماشیح» از ویژگی‌های مشابهی برخوردار است. در سوره اشعای نبی در عهد عتیق با اشاره به روز بازگشت و فرج یهود آمده است: «و در روزی که خداوند شکستگی قوم خود را ببندد و ضرب جراحت ایشان را شفا دهد روشنایی ماه مثل روشنایی آفتاب و روشنایی آفتاب هفت چندان مثل روشنایی هفت روز خواهد بود» [۱۰]. مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک منجی موعود در ادیان سه گانه فوق را که در بحث حاضر نیز حایز اهمیت است، می‌توان در موارد زیر بر شمرد: ۱- تقدیر الهی در پیروزی و حاکم شدن حق و شکست باطل؛ ۲- نقش رهبری دینی در برقراری وضعیت آرمانی و موعود؛ ۳- برقراری حکومت دینی به دست منجی موعود و نابودی حکومت‌های ظالمانه و ستمگر؛ ۴- حاکمیت دین بر زندگی انسانها و بسط و گسترش عدالت؛ اصول فوق را می‌توان از عمده‌ترین اصول مشترک بین نگرش‌های آینده نگرانه ادیان آسمانی فوق دانست.

## آینده نگری در اسلام و ویژگی‌های مدینه فاضله موعود در مذاهب اسلامی

هر چند نگرش‌های آینده نگر ادیان سه گانه پیشین صرفاً به بیان کلی ویژگی‌های جامعه موعود می‌پرداخت، اما در دیدگاه اسلامی برخی از جزئیات مدینه فاضله تشریح شده است. در مقاله حاضر نیز دیدگاه‌های اسلامی به دلیل تعلق آنها به زندگی روزمره ما در جهان اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ذیل بر اساس دیدگاه‌های مذاهب اسلامی که عمدتاً در دو مذهب شیعی و سنی منعکس شده است، به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت. پیش از پرداختن به دیدگاه‌های مذاهب اسلامی به مهدویت لازم است تا نگاهی به آراء مذاهب مختلف اسلامی به مسأله حکومت و دولت داشته باشیم و سپس بر اساس آموزه مهدویت چگونگی نگرش آنها به زندگی سیاسی معاصر اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. برای ارائه گزارشی از دیدگاه‌های مذاهب اسلامی در باره مسأله دولت و حکومت می‌توان به گزارش خواجه نصیر الدین طوسی در باره آراء مختلف فرق مذاهب اسلامی تمسک نمود. خواجه نصیر الدین طوسی در قواعد العقاید [۱۱] در تلاش برای طبقه‌بندی دیدگاه‌های مختلف اسلامی در باب مسأله امامت و رهبری

جامعه اسلامی چارچوب مناسبی را در اختیار قرار داده است که در بحث حاضر نیز حایز اهمیت می باشد. وی با تمرکز بر مسأله امامت و رهبری در جامعه اسلامی ابتدا قائلان نظریه های مختلف را به دو دسته قائلان به ضرورت امامت و قائلان به عدم ضرورت آن تقسیم کرده است. قائلان به عدم ضرورت همان خوارج می باشند. قائلان به ضرورت نیز بر دو دسته تقسیم می شوند: گروهی به ضرورت عقلی نصب امام معتقدند. اینها همان عدلیه می باشند که شامل دیدگاه شیعیان و معتزله می گردد. گروه دیگر ضرورت سمعی و شرعی را می پذیرند. اینها نیز اهل حدیث و اشاعره و برخی دیگر از فرق اهل سنت را تشکیل می دهند. البته برخی فرق و گرایشهای شیعی نیز همچون جریان اخباریون چنین اعتقادی دارند. از دیدگاه اینان ضرورت نصب امام صرفاً به دلیل شرعی لازم است. قائلان به ضرورت عقلی بر دو دسته هستند. شیعیان آن را بر خداوند به دلیل لطف واجب می دانند. اما معتزلیان آن را به عنوان یک حکم عقلی صرفاً بر جامعه اسلامی واجب می دانند. البته در این تقسیم بندی می توان کسانی را یافت که بر هر دو وجوب شرعی و عقلی معتقد هستند. شیعیان عموماً هم بر دلیل شرعی و هم بر دلیل عقلی برای ضرورت امامت تمسک می کنند. البته گفته می شود ابوبکر اصم معتزلی همانند خوارج به بی نیازی از امام و عدم ضرورت آن رای داده اند. ابی بکر اصم در موضعی افراطی و شاذ در میان معتزله به امکان الغاء حکومت و دولت و بی نیازی از امام در صورت تامین آن بدون امام رای داده است. او می گوید: «اگر مردم با خودشان انصاف داشته باشند و ظلم و آنچه موجب اقامه حد می شود، از بین برود، مردم از امام بی نیاز می شوند.» [۱۲] او در اینجا برای حکومتی که توسط امام عینیت می یابد، ویژگیهایی قرار داده است که عبارتند از: انصاف و زوال ظلم و نبود آنچه موجب اقامه حد شود. از نظر وی هرگاه این اهداف متحقق شود و مردم از این حکومت و امام بی نیاز می شوند. [۱۳] اما فراتر از دیدگاههای خوارج و تعداد شاذی از معتزلیان در باره مسأله امامت، می توان اصل ضرورت تشکیل دولت اسلامی را اصلی فراگیر و مشترک در بین تمامی مکاتب اسلامی دانست. چنین دیدگاهی در باره دولت اسلامی را میتوان تا دو سده پیش بیانگر تمامی دیدگاههای مسلمانان در باره دولت اسلامی دانست. اما با آشنایی مسلمانان با غرب مدرن و ورود آموزه های دنیای مدرن غربی و تجدد گرایی به جهان اسلام به تدریج نظریه ها و آراء جدیدی نیز با تأثیر پذیری از دنیای مدرن غرب در جهان اسلام مطرح گردید. آموزه سکولاریسم مسیحی با کالون و لوتر در فرایند شکل گیری مدرنیسم غربی یکی از اصول و ارکان اصلی دنیای جدید غرب گشت و حکومت دینی مورد تردید و انکار قرار گرفت. بعدها غرب مدرن این آموزه را نیز در سراسر جهان ترویج نمود. نخستین نمودهای گرایش به این دیدگاه را می توان در پی اقدامات ترکان جوان به رهبری کمال آتا تورک در ترکیه جدید برای الغای خلافت و سپس در نظریه پردازی افرادی چون علی عبدالرازق [۱۴] مشاهده نمود. پیش از آشنایی با تجربه غرب ما در جهان اسلام جز گروه شاذ خوارج هیچ جریان مخالف تشکیل حکومت دینی نداریم. با توجه به پذیرش فراگیر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر پیش از تجدد از سوی مذاهب مختلف اسلامی می توان آموزه مهدویت را نیز بررسی نموده و در نهایت به بررسی وضعیت زندگی سیاسی معاصر اسلامی در پرتو آن پرداخت. آموزه مهدویت و ظهور فردی از سلاله پاک پیامبر گرامی اسلام (ص) یکی از مسائل اجماعی و اتفاقی مسلمانان می باشد. این آموزه در نزد شیعیان از مسلمات مذهب تشیع است و اهل تسنن نیز به رغم اختلاف با امامیه در باره مسأله جانشینی پیامبر گرامی اسلام، در مسأله مهدویت اتفاق نظر دارند. شیخ عبدالمحسن العباد از علمای وهابی و نیز شیخ عبدالعزیز بن باز عالم برجسته وهابی و مفتی اعظم سعودی بر اصالت اعتقاد ظهور مهدی (عج) از سلاله امام علی (ع) تأکید کرده اند. شیخ محسن العباد در سخنرانی خود در دانشگاه اسلامی مدینه منوره اظهار می دارد: «از میان مسائل مربوط به آینده که در آخر الزمان هنگام نزول عیسی بن مریم علیه الصلاه و السلام به وقوع می پیوندد ظهور قیام مردی از خاندان نبوت از فرزندان علی بن ابی طالب (رض) است که نام وی با نام پیامبر (ص) یکسان است و مهدی نامیده می شود که زمامداری مسلمانان را بر عهده می گیرد و عیسی بن مریم پشت سر او نماز می گزارد. این خبر در احادیث متواتر از پیامبر خدا (ص) مورد قبول تمام امت واقع گشته و اعتقاد بر حجیت آن جز از سوی افرادی شاذ محرز و قطعی گردیده است.» [۱۵]

در بحث حاضر نیازی به ذکر تفصیلی روایات مورد تمسک اهل سنت یا شیعیان در باره آینده تاریخ و ظهور مهدی موعود نیست و صرفاً می‌توان به گزارشات کلی فوق در باره ظهور مهدی موعود تمسک نمود. آنچه اهمیت اساسی دارد، بحث در باره نسبت زندگی سیاسی امروز در جهان اسلام با اعتقاد به آینده و مهدویت می‌باشد. در نگاهی کلان و بر اساس دیدگاههای مسلمانان به آینده می‌توان نتایج مشترک اعتقادی مسلمانان را (اعم از شیعه و سنی) در باره آینده شناسایی کرد. یکی از این مسلمات اعتقاد به تحقق حکومت جهانی اسلامی به رهبری حضرت مهدی از سلاله پاک پیامبر گرامی اسلام است. چنین حکومتی بر محوریت رهبری دینی استوار است و رهبری دینی در آن نقش اساسی دارد. مبنای چنین حکومتی نیز قوانین شرعی خواهد بود. حال آنچه در این سطح مطرح می‌باشد، نسبت دیدگاههای موجود در جهان اسلام با تأکید بر تمامی مذاهب اسلامی با آینده جهان و اعتقاد به مهدویت می‌باشد. نظریات موجود در جهان اسلام را می‌توان بر دو گروه کلان تقسیم کرد. گروهی معتقد به حکومت دینی و ضرورت تشکیل آن می‌باشند و بر اساس آن حرکتها و جنبشهای اسلامی متعددی شکل گرفته است. چنین جریانی ریشه در سنت گذشته اسلامی دارند و در صدد احیای سنت اسلامی می‌باشند. اما گروه دیگر کسانی هستند که بر جدایی دین از سیاست و تأسیس دولت عرفی جدید تأکید می‌کنند. این گروه عمدتاً متأثر از آموزه های غرب مدرن بوده و با الهام گیری از آموزه های عصر جدید غرب به تفسیر و توضیح سنت اسلامی می‌پردازند. از نگاه این افراد تفسیر سیاسی از دین امری است که در گذشته اسلامی به دلیل تفاسیر نادرست مسلمانان از سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام رخ داده است. علی عبدالرازق از پیشگامان چنین جریانی در جهان اسلام در تحلیل مسأله خلافت اسلامی به این نکته اشاره می‌کند. از نظر وی اسلام دستوری درباره تشکیل حکومت اسلامی یا خلافت نداده است و در نتیجه در عصر الغای خلافت نیز ضرورتی دینی برای احیای خلافت نداریم. آنچه در طول تاریخ خلافت صورت گرفته است، صرفاً بازتاب برداشت نادرست مسلمانان این دوره از سنت اسلامی می‌باشد. [۱۶]. در نزد شیعیان نیز ما شاهد ظهور جریانات و دیدگاههایی هستیم که بر آموزه جدایی دین از سیاست معتقدند. از نظر این افراد سیاست امری مربوط به جهان دنیوی است در حالی که دین امری قلبی و باطنی است که دغدغه آن رضایت خالق است و به بعد فردی مربوط می‌شود. از این حیث دین و سیاست دو مقوله متفاوت بوده و از هم جدا می‌باشد. در چنین دیدگاهی دین به صورت کامل از امر سیاست جدا می‌شود. [۱۷] البته کسان دیگری نیز هستند که از منظر تفکیک اما با قرائتی متفاوت به زندگی سیاسی امروزی می‌پردازند. این دیدگاه که به نظریه اشراف دین بر سیاست شناخته می‌شود، معتقد است دین به ارائه چگونگی تشکیل حکومت و ساختار و الگوی آن پرداخته است و صرفاً به ارشادات و ارائه رهنمودهای کلی در باره زندگی اجتماعی و سیاسی بسنده کرده است. از این منظر ارتباط دین با سیاست ارتباط تفکیکی به معنای نخست نیست و در حد توصیه های اخلاقی - کلان آموزه های دینی در عرصه سیاسی به کار گرفته می‌شوند. دیدگاه دیگری را که می‌توان بویژه در جامعه شیعی یافت نگاهی دو گانه به زندگی امروز و وضعیت آینده است. از این منظر هر چند عصر موعود عصر تحقق حکومت دینی است اما در عصر حاضر به دلیل غیبت امام معصوم (ع) نمی‌توان حکومت دینی تشکیل داد. از این منظر که می‌توان از آن به نظریه تعلیق حکومت یاد کرد، هر چند عصر حضور امام معصوم ع عصر تحقق حکومت دینی است و می‌بایست به تأسیس حکومت دینی پرداخت، اما در عصر غیبت به دلیل فراهم نبودن شرایط تأسیس، حکومت دینی تعلیق می‌یابد. در نهایت دیدگاه چهارم که در جوامع شیعی و سنی توأمان مطرح می‌باشد، ضرورت تأسیس حکومت دینی است. هم بسیاری از اندیشمندان سنی و هم عالمان شیعی بر ضرورت تأسیس حکومت در عصر پیش از ظهور منجی تأکید کرده‌اند. البته چگونگی تشکیل حکومت دینی در نزد سنیان با دیدگاه شیعی متفاوت است. در حالی که در نظریه های شیعی ولایت فقیهان در دوران غیبت مورد توجه قرار گرفته است در نظریه های سنی صرفاً بازگشت به مدینه النبی و خلافت راشدین مورد توجه می‌باشد. با ظهور اسلام سیاسی در دو سده اخیر و شتاب آن در اواخر قرن بیستم چنین دیدگاهی در حال بسط و گسترش مجدد در جهان اسلام می‌باشد. آنچه در مورد دیدگاههای فوق حایز اهمیت است چگونگی

ارتباط آنها با آینده و آموزه مهدویت می باشد. بدون تردید اکثر مسلمانان، چنانکه گذشت آموزه مهدویت و ظهور منجی موعود و تحقق مدینه فاضله اسلامی را همانند دیدگاه غالب ادیان آسمانی می پذیرند. حال بر این اساس پرسشی که مطرح می شود و این نوشتار در صدد بررسی آن بود، میزان تناسب زندگی و عمل سیاسی جامعه اسلامی با عصر ظهور منجی موعود است. از میان دیدگاههایی که در باره وضعیت زندگی سیاسی معاصر اسلامی وجود دارد تنها دیدگاه چهارم است که بیشترین تناسب را با جامعه موعود برخوردار است. دیدگاههای دیگر به نوعی در تناقض و یا در تباین با جامعه مهدوی دارند. آنچه که از اعتقاد به آموزه مهدویت در جوامع اسلامی می توان بهره برد و در زندگی معاصر اسلامی نیز آن را برجسته کرد، ضرورت تشکیل حکومت دینی می باشد. مومنی که همواره در انتظار تحقق مدینه فاضله اسلامی است می بایست در راستای آن نیز تلاش نماید و همسان با نظام سیاسی عصر موعود به تنظیم زندگی سیاسی خود پردازد. در غیر این صورت دوگانگی و تضاد در اندیشه و عمل سیاسی اسلامی بسیار بارز خواهد بود و موجب انحطاط جامعه اسلامی خواهد گشت. بدون تردید دین پیامی آسمانی برای تمام انسانها و در تمامی ادوار می باشد. تفکیک اعتبار احکام آن برای برهه های خاصی یقیناً موجب خدشه در امر هدایت دینی خواهد بود. اگر چنانکه از نگاه دینی ضروری است تا جامعه مطلوب بر اساس الگوی دولت دینی اداره شود، پس در نتیجه در زندگی عصر پیش از تحقق مدینه فاضله نیز می بایست چنین الگویی را پیگیری نمود. بدون تردید احیای گرایش به منجی گرایی و مهدویت در جهان در چند دهه اخیر نوید بخش فضایی است که می توان با ایجاد همگرایی در بین مومنان به تعالیم آسمانی و بویژه در بین مسلمانان پرداخت و اساس جامعه اسلامی را بر آن مبتنی نمود. ظهور گرایش تفکیک گرایانه بین دین و سیاست محصول تفکر مدرن غربی بوده است که اینک با نقدها و بحرانهایی که در مدرنیسم غربی بروز نموده است می توان با بازگشت به سنت دینی - اسلامی و دعوت تمامی معتقدان به عصر ظهور منجی موعود که بر تأسیس حکومت دینی بشارت می دهد و مدینه فاضله دینی را برقرار می سازند، زندگی سیاسی امروزی را نیز سامان داد.

### نتیجه گیری

آینده تاریخ از منظرها و دیدگاههای مختلفی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. عمده مذاهب آینده نگر با نگاهی خوش بینانه آینده تاریخ را عصری مطلوب و تحقق مدینه فاضله می دانند. در این میان توجه به اشتراکات این مکاتب فکری با آموزه منجی گرایی ادیان حایز اهمیت است. چنانکه گذشت در دوران مدرن نیز اندیشمندانی چون کانت بر زندگی اخلاقی تأکید می کردند و جامعه آینده را نیز بر اساس آن به تصویر می کشیدند. در ادیان آسمانی نیز اعتقاد به ظهور منجی موعود نوید بخش جامعه ای آرمانی بر اساس الگوهای دینی می باشد. آموزه مهدویت اسلامی نیز که تمامی مسلمانان جهان در آن مشترک هستند بر چنین جامعه ای فرا می خواند. بر اساس چنین آموزه مشترکی می توان بر نوعی همفکری و همکاری بین ادیان و بویژه مسلمانان دعوت نمود تا بر اساس الگوی مدینه فاضله عصر موعود زندگی امروزی خود را نیز سامان دهند. بر این اساس می توان دیدگاههایی را که به نوعی بر تفکیک عرصه دینی از سیاست فرامی خوانند نقد نمود و در راستای سنت اسلامی بر احیای نظام اسلامی در جوامع اسلامی دعوت نمود.

### پاورقی

[۱] برای بحث در نگرش های اسطوره ای به تاریخ و موعود گرایی نک: میرچیا الیاده، اسطوره بازگشت جاودانه، ترجمه بهمن سرکاراتی، نشر قطره، ۱۳۷۸.

[۲] ایمانوئل کانت، «معنای کلی تاریخ در غایت جهان وطنی»، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، در نامه فلسفه، س ۲، ش ۳،

زمستان ۱۳۷۸.

[۳] همان.

[۴] در مورد نظریه سیاسی کانت نک: همچین نک: حسین جمالی و عباس منوچهری، «تأملی بر فلسفه سیاسی کانت»، در نامه مفید، ش ۲۵، بهار ۱۳۸۰.

[۵] کانت خود بر پیوند روشنگری با بلوغ آدمی تصریح کرده است. نک: ایمانوئل کانت، «روشنگری چیست؟ در پاسخ یک پرسش»، ترجمه همایون فولادپور، کلک، ش ۲۲، دی ماه ۱۳۷۰.

[۶] نک: ابراهیم پورداوود، سوشیانت موعود مزدیسنا، ۱۹۲۷؛ به نقل از سید مجتبی آقایی، پیشین.

[۷] اوستا، ترجمه و پژوهش هاشم رضی، تهران، انتشارات بهجت، ۱۳۷۹، فروردین یشت، بند ۱۲۹. در بررسی سوشیانت و دیدگاه زرتشتی از مقاله زیر بهره گرفته شده است: سید مجتبی آقایی، «در آمدی بر یک نظریه»، در: بررسی نظریه های نجات و مبانی مهدویت (مجموعه مقالات سومین اجلاس دو سالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی عج)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱، ج ۲، صص ۱۱۵-۱۵۶.

[۸] اوستا، زامیاد یشت، بند ۹۵.

[۹] همان، بند ۹۲.]

[۱۰] عهد عتیق، بر اساس ترجمه فارسی ۱۹۰۴، فصل اشعیای نبی، سوره ۳۰، آیه ۲۷.

[۱۱] خواجه نصیر الدین طوسی، قواعد العقائد، ضمیمه تلخیص المحصل، بیروت دارالاضواء، ۱۹۸۸.

[۱۲] قاضی عبدالجبار معتزلی، المغنی فی ابواب التوحید والعدل، قسمت اول، ج ۲۰، ص ۴۸. به نقل از: محمد العماره، وجوه سیاسی آزادی در کلام معتزله، ترجمه سید محمد رضا شریعتمداری، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۳، زمستان، ۱۳۷۷.

[۱۳] گفته می شود بعدها اصم از این دیدگاه نخست خود برگشته است.

[۱۴] علی عبدالرازق، الاسلام و اصول الحکم، تحقیق محمد عماره، بیروت، موسسه الدراره و النشر، بی تا.

[۱۵] سید هادی خسرو شاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۱۰۴. لازم به توضیح است که این اثر سخنرانی و توضیحات شیخ عبدالمحسن العباد و شیخ عبد العزیز بن باز و توضیحات آقای خسروشاهی را در بر دارد و از این جهت متن دیدگاه یکی از عالمان وهابی را در باره مهدویت و اعتقاد اهل سنت به آن نشان می دهد.

[۱۶] علی عبدالرازق، پیشین.

[۱۷] عبدالکریم سروش به همراه کسان دیگری بر چنین اعتقادی رفته اند. نک: عبدالکریم سروش، فربه تر از ایدئولوژی، (مقاله معنا و مبنای سکولاریسم)، تهران، انتشارات صراط، ۱۳۶۶.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

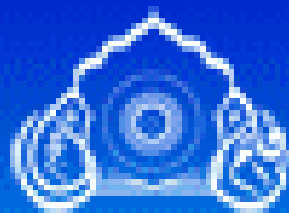
[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵







مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

